



بیانات در دیدار کارگران گروه صنعتی مینا - 10 / اردیبهشت / 1393

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خدای متعال را سپاسگزارم که توفیق داد امروز در جمع پرشور و متراکم شما عزیزان، در این مرکز کاری و اقتصادی و صنعتی بسیار مهم حضور پیدا کنم و به مناسبت روز کارگر - که همیشه مناسبت مهمی برای ما بوده است - با شما عزیزان دیدار داشته باشم. امروز برای من خرسندی، مضاعف است؛ یعنی این جوری عرض بکنم: یکی از برنامه‌هایی که به طور معمول در طول سال برای من جذاب است، برنامه‌ی دیدار با کارگران به مناسبت روز کارگر است؛ این مناسبت، امروز همراه شد با دیدار از این مرکز فعال و پیشرو و مجموعه‌ی «مینا» که بحمدالله خصوصیات متعددی را از جلوه‌های مطلوب کار در کشور با یکدیگر همراه کرده است؛ و این دو عامل، امروز با هم مایه‌ی خرسندی و خوشحالی است. خوب، بازدید امروز، بازدید بسیار مغتنمی برای من بود؛ دیدار با شما عزیزان و کارگران فعالان هم یک اغتنام فرصت دیگر است.

در آستانه‌ی ماه رجب هستیم. ماه رجب ماه بندگی است؛ ماه توجه و تذکر است. و ما مجموعه‌ی آحاد کشور و علاقه‌مندان به سرنوشت کشور و ملت، معتقدیم - تقریباً همه معتقدند در کشور - که با کمک الهی و هدایت الهی و دستگیری الهی کارهای زیادی میشود کرد و گامهای بلندی میشود برداشت.

من دو مطلب را به طور کوتاه عرض میکنم: یک مطلب در مورد مسائل کار و کارگر [است]. آنچه ما همیشه بر روی آن تکیه کردیم، تأکید کردیم و از بن دندان معتقدیم که برای کشور، برای فرهنگ عمومی کشور یک ضرورت است، عبارت است از تکریم و احترام گذاشتن به کار و کارگر. کارگر معنای عامی دارد؛ امام (رضوان الله علیه) میفرمودند: پیغمبران هم کارگر بودند؛ همین جور است. در مجموعه‌ی شما هم مدیران، فعالان، برنامه‌ریزهایتان، کارآفرینانی که زمینه‌ی گسترش کار و اعتلای کیفیت کار را فراهم میکنند، تا آحاد کارگران ما - کارگران تحصیل کرده، کارگران ماهر، کارگران مجرب، تا کارگران ساده - همه کارگرند. نقس کار احترام دارد، نقس تحرک و تلاش در جهت درست دارای احترام است؛ این نگاه اسلام است. همه چیز بر پایه‌ی این تکریم و احترام بایستی شکل بگیرد. اگر ما چیزی به نام حقوق کارگر و منزلت کارگر تعریف میکنیم، بر اساس همین احترام به کار و احترام به کارگر باید باشد. واقع قضیه هم این است که تمدنهای بشری و پیشرفتهای مادی عالم در همه‌ی دوره‌ها، و همچنین پیشرفت معنوی و روحی و درونی هر انسان، جز با کار فراهم شدنی نیست؛ کار لازم است، تلاش لازم است. این آیه‌ی کریمه‌ای که قاری خوش صوت امروز ما، برایمان خواندند: وَ اَنْ لِّیْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعَى (۲) یعنی دستاورد شما تنها در سایه‌ی سعی شما و تلاش شما و کار شما است. در هر سطحی باید این گونه فکر کنیم؛ باید کار کنیم. نگاه مخاصمه‌آمیز میان کارگر و کارآفرین و امثال اینها، یک تعبیر غلط از یک واقعیت است؛ همه باید با هم همکاری کنند. اصلاً نگاه تضاد و تعارض و تزاحمی که بر تفکرات غربی حاکم بوده است - مخصوص مارکسیست‌ها هم نیست؛ قبل از مارکسیست‌ها هم نگاه ناظر به تضاد و به تعارض، در تفکرات غربی رایج و شایع بوده - از نظر اسلام نگاه مردودی است؛ نگاه مقبولی نیست. در اسلام دعوت به ائتلاف است، دعوت به وحدت است، دعوت به همکاری است، دعوت به تراحم است، دعوت به تعاون است؛ این مبنای تفکر اسلامی در همه‌ی فعالیتها است. البته تعامل حدودی دارد، ضوابطی دارد، هر کسی حقوقی دارد؛ باید اینها رعایت بشود که در سایه‌ی دولت اسلامی قابل تحقق است. نگاه تعارض‌آمیز غلط است؛ نگاه تعاون و تعامل از نظر اسلام درست است؛ و این یک فکری است که در همه‌ی شئون ما، در همه‌ی مسائل مربوط به زندگی، بایستی وجود داشته باشد. در مقابل آن کسی که به حیثیت روانی و روحی و فکری و وجودی انسان و جامعه ضربه میزند، انسان ناچار است دفاع کند؛ اما روال اصلی عبارت است از تعاون و تعامل و همکاری و ائتلاف؛ این نگاه اساسی اسلام است. ما معتقدیم جامعه‌ی



کارگری ما باید مورد تکریم قرار بگیرد؛ مورد احترام قرار بگیرد. معتقدیم هر کسی که مشغول کار است و کار خود را انجام میدهد و این کار را خوب انجام میدهد، این مورد رحمت الهی است؛ فرمود: رَحِمَ اللَّهُ إِمْرَةً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتْقَتْهُ؛ آن کسی که کار را درست انجام میدهد، مورد رحمت پروردگار است. این، آن مطلب اول و یکی از دو مطلب اساسی که من لازم بود عرض بکنم.

مطلب دوم در مورد آن حقیقتی است که یکی از جلوه‌های زیبای آن را در این مجموعه‌ی کاری - مجموعه‌ی «مپنا» - میشود دید: حقیقت کارآمدی، کارآمدی ناشی از دانش و هوش و پشتکار و ابتکار و عزم راسخ که خوشبختانه ما این را در این مجموعه مشاهده میکنیم؛ این نگاه ما به کل حرکت کشور است.

«عزم ملی و مدیریت جهادی» در سال ۹۳ به عنوان شعار مطرح میشود، اما این چیزی نیست که مربوط به سال ۹۳ باشد؛ این هویت ما است، این حیثیت ما است، این آینده‌ی ما است، این ترسیم‌کننده‌ی سرنوشت ما است. اگر عزم ملی بود، اگر مدیریت جهادی بود، اقتصاد هم پیشرفت میکند، فرهنگ هم پیشرفت میکند؛ و ملتی که اقتصاد پیشرفته داشته باشد و فرهنگ پیشرفته داشته باشد، در اوج قرار میگیرد و تحقیر نمیشود. ما را قبل از انقلاب ده‌ها سال تحقیر کردند؛ ملت ایران با این سابقه، با این تمدن کهن، با این همه میراث فرهنگی عمیق، با این همه دانشمند در رشته‌های مختلف در طول تاریخ، کارش به جایی رسید که حاکمان این ملت برای کارهای اساسی کشور باید [کسانی را] میفرستادند سفارت انگلیس و سفارت آمریکا، از سفیر انگلیس و سفیر آمریکا اجازه میگرفتند؛ تحقیر یک ملت بیشتر از این؟ آن روزی که در اروپا و غرب از دانش خبری نبود، آن روزی که جهل به معنای واقعی کلمه بر آن کشورها حاکم بود، ایران، فارابی‌ها و ابن‌سیناها و محمدبن زکریای رازی‌ها و شیخ طوسی‌ها و این شخصیت‌های عظیم را به دنیا عرضه کرده است؛ این میراث ما است، این گذشته‌ی ما است، ما نباید تحقیر میشدیم؛ ما نباید اجازه میدادیم که قدرتهای غارتگر جهانی بیایند اقتصاد ما را در دست بگیرند، نفت ما را ببرند، منابع ما را تصرف بکنند، از لحاظ سیاسی و اجتماعی هم ملت ما را تحقیر بکنند؛ اما این اتفاق افتاد. اگر ملت ایران بخواهد جایگاه شایسته‌ی خود را پیدا بکند، این جایگاه تعریف شده است. من مکرر گفته‌ام، ملت ما باید به جایی برسد که دانش‌پژوهان عالم، برای اینکه به قله‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند؛ این یک جایگاه تعریف شده است. ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد. اگر بخواهیم به این جایگاه تعریف شده دست پیدا بکنیم، راه آن این است که از دانش، از هوش، از قدرت تحرک بالا، از قدرت ابتکار و از عزم راسخ در همه‌ی بخشها استفاده کنیم و بهره بگیریم. باید اقتصاد را بالا آورد، و بالا آمدن اقتصاد بدون رشد فرهنگی، نه ممکن است، نه مفید؛ فرهنگ هم بایستی تعالی پیدا کند، ترقی پیدا کند. بنابراین شعار امسال، شعار زندگی ما است، شعار همیشگی ما است. خوشبختانه امروز در بخشهای مختلفی از جامعه‌ی فعال اقتصادی و صنعتی کشور از جمله در مجموعه‌ی «مپنا» این را انسان مشاهده میکند. من البته گزارشهایی داشتم؛ امروز از نزدیک، برخی از آنچه در این گزارشها خوانده بودیم و دیده بودیم، مشاهده کردم. این نشان میدهد که شعار مطرح‌شده‌ی به‌وسیله‌ی امام بزرگوار ما، یعنی شعار «ما میتوانیم» شعار واقعی است؛ صرفاً شعار لفظی نیست؛ حقیقتاً این جور است. کارهایی که برای کشور ما یک روز از نظر برخی از خواص و مدیران ما دست‌نیافتنی بود، امروز دارد به‌آسانی و با روانی در این مجموعه‌ی شما انجام میگردد.

من فراموش نمیکنم در سالهای اوائل دهه‌ی ۶۰ که بنده رئیس‌جمهور بودم، ما در یک نقطه‌ای از کشور که نمیخواهم بگویم کجا، یک نیروگاه گازی نصفه‌کاره داشتیم؛ ما اصرار میکردیم، میگفتیم به آنها که این نیروگاه را باید خودمان تمام کنیم؛ مسئولانی آمدند پیش من - بعضی‌شان زنده‌اند، بعضی‌شان هم خدا رحمت کند، از دنیا رفته‌اند - میگفتند آقا! نمیشود؛ بیخود زحمت نکشید، بیخود تلاش نکنید. آمده بودند به بنده اثبات کنند و بنده را قانع کنند که ما نمیتوانیم؛ بایستی از آن شرکت سازنده یا یک شرکت دیگر در دنیا، بخواهیم بیاید؛ در بحبوحه‌ی جنگ بود،



دوره‌ی جنگ، دوره‌ی فشارهای فراوان، دوره‌ی تحریمهای سخت.

امروز شما جوانهای این کشور، فعالان این کشور و مدیران جهادی باارزش، توانسته‌اید خودتان را به رتبه‌ی بالای ساخت نیروگاه‌های گازی - یعنی رتبه‌ی ششم دنیا - برسانید؛ یک شرکتی در آمریکا، شرکتی در آلمان، شرکتی در فرانسه، شرکتی در ایتالیا، شرکتی در ژاپن، ششمین در دنیا شما هستید؛ و شما نیروگاه‌های گازی را دارید میسازید؛ این خیلی مهم است. آن سالها به ما میگفتند نمیشود، اما با پشتکار، با همت، با توکل به خدای متعال، با تشویق نیروهای با استعداد، با عزم راسخی که مدیران ما به کار بردند، این کار اتفاق افتاد. من می‌خواهم بگویم عزیزان من! شما این سطحی را که امروز هستید، بکنید ده برابر؛ آن هم قابل اتفاق افتادن است، آن هم خواهد شد. بعضی چیزها را همت‌های کوتاه و نگاه‌های نزدیک بین نمیتوانند درک کنند و بفهمند، چون طبیعت انسان را نمی‌شناسند؛ چون کمک الهی را نمی‌فهمند؛ چون قدر و قیمت عزم راسخ را درک نمی‌کنند و استعدادهای درونی خود ما را انکار میکنند. این هم جزو بلاهایی است که سر ملت ما آمد؛ سالهای متمادی تسلط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بیگانگان بر این کشور، این را باورانده بود که ایرانی استعداد ندارد؛ ببینید چه خیانت بزرگی است! استعداد ایرانی از متوسط استعداد دنیا بالاتر است؛ جوان ایرانی، استعداد ایرانی، جزو درجات بالای استعداد بشری در همه‌ی دنیا است؛ آن وقت این را این جور وانمود میکردند که نه، اینجا استعداد نیست. این مربوط به قبل از انقلاب است و متأسفانه تا سالهایی از شروع انقلاب هم بودند کسانی که هنوز این تفکرات غلط در ذهنشان ریشه داشت.

باز این خاطره را به شما عزیزان - برادران و خواهران - بگویم: کسی پیش من آمد، برای اینکه اثبات کند که پروژه‌های راه و بزرگراهی که ما در اختیار داریم، نباید دنبال کنیم؛ میگفت ما مدیر پروژه نداریم، ما مدیر نداریم؛ مثالهایی میزد. چیزهایی که یک ملت را عقب نگه میدارد، این تفکرات است. بحمدالله در این مجموعه‌ی شما، کارگزاران، مدیران، مسئولان، طراحان، همه خوب کار کردید و امروز این مجموعه‌ی «مپنا» یک مجموعه‌ی افتخاربرانگیز است؛ یعنی مایه‌ی مباهات است؛ هم مباهات کشور به شماها، هم مباهات خود شما که توانسته‌اید این توانایی را به وجود بیاورید و به رخ دوست و دشمن بکشانید؛ باید مباهات کنید. همه‌تان، در هر کجا که هستید؛ کارگران و مدیران و مسئولان و طراحان و برنامه‌ریزان و بخشهای مختلف، باید افتخار کنید که در ایجاد این نتیجه‌ی زیبا و افتخارآمیز سهیم بوده‌اید. البته باید از فعالیت‌های این مجموعه و مجموعه‌های مشابه پشتیبانی بشود. یکی از پشتیبانی‌ها این است که دستگاه‌های دولتی خودشان را موظف کنند که برای محصول این مجموعه‌ها رقیب خارجی نتراشند؛ یکی از بخشهای اقتصاد مقاومتی که ما گفتیم، این است. ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تولید داخلی است. تولید داخلی اگر بخواد رونق پیدا بکند یقیناً باید، هم به آن کمک تزریق بشود، هم از چیزهایی که مانع رشد آن است جلوگیری بشود، هم برای محصولات، بازار به وجود بیاید، هم واردات محصولات مشابه به یک نحوی کنترل بشود - کلمه‌ی ممنوع را به کار نمی‌برم - و با محاسبه مورد مراقبت دقیق قرار بگیرد، هم در قراردادهای خارجی‌ای که این مجموعه و امثال این مجموعه دارند، دولت کمک بکند. گفتیم اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گرا است؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ما است، باید بتوانیم با همت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم و این حضور بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست؛ که البته بخشهای مختلف دولتی در این زمینه میتوانند سهم داشته باشند.

عامل مهم مدیریت جهادی عبارت است از خودباوری و اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی. اینکه من مبارک امام باقر (علیه‌السلام) و نام مبارک امیرالمؤمنین و تبریک ایام مبارک رجب را در طلیعه‌ی عرایضم عرض میکنم، به‌خاطر این است؛ در همه‌ی کارها توکل به خدای متعال و استمداد از کمک الهی [کنیم]؛ به کمک‌های الهی اعتماد کنیم. [وقتی] شما از خدای متعال کمک میخواهید، راه‌ها به‌سوی شما باز میشود: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. (۳) این رزقی که در این آیه و در آیات دیگر گفته شده است، به شکلهای مختلفی به من



و شما میرسد؛ گاهی شما ناگهان در ذهنتان یک چیزی برق میزند، میدرخشد، راهی باز میشود؛ این رزق الهی است؛ در یک برهه‌ی فشار، ناگهان یک امید وافر در دل شما به وجود می‌آید؛ این همان رزق الهی است. بنابراین اعتماد به کمک الهی؛ به کارگیری هوش و دانش که این هم یکی از ارکان مقاومت اقتصادی است که در جای خود شرح داده شد؛ مجموعه‌های دانش‌بنیان که خب خوشبختانه این مجموعه‌ی شما یکی از نمونه‌های برجسته‌ی دانش‌بنیان است؛ و به کارگیری پشتکار، کار را بایستی دست‌کم نگرفت، از پیشرفتهایی که به دست آوردید قانع نشوید، به پیشرفتهای بیشتر شایق (۴) بشوید، قانع شدن به آن حدی که به آن رسیده‌ایم، ما را متوقف و دچار رکود میکند؛ و ابتکار، راه‌های نرفته را، راه‌های میانبر را در پیش گرفتن [اینها لازم است].

از جمله‌ی چیزهایی که من یادداشت کردم که عرض بکنم، که خب خوشبختانه امروز در بازدید اینجا دیدیم که مورد توجه است، یکی مسئله‌ی تحقیق و توسعه است که بسیار مهم است. بحمدالله دیدم یک بخش مهمی را به تحقیق و توسعه اختصاص داده‌اند. یک مسئله‌ی دیگر، عبارت است از همکاری و مرتبط کردن ظرفیتهای در بخشهای گوناگون، تا از یکدیگر خبر داشته باشند. آیا این امکاناتی که در «مپنا» هست، به اطلاع بقیه‌ی بخشهای فعال اقتصادی و صنعتی کشور رسیده؟ آنها مطلعند؟ آیا دانشگاه‌های کشور به‌طور کامل از ظرفیتهای «مپنا» مطلعند؟ و آیا شما از ظرفیتهای دانشگاه‌ها مطلعید؟ البته گزارشی که دوستان دادند، (۵) میگویند در این زمینه‌ها فعالند؛ لکن من نسبت به این مسئله - مسئله‌ی همکاری و استفاده کردن از ظرفیتهای دیگر، مثل ظروف مرتبط - تأکید میکنم؛ همه از هم استفاده کنند و این هم‌افزایی موجب پیشرفتهای بیشتری خواهد شد. یک نکته‌ای را مدیر محترم - آقای علی‌آبادی - در صحبتشان گفتند که مورد تأیید من هم هست و به این نکته هم بنده همیشه توجه کرده‌ام؛ ایشان گفتند که هر جایی که ما به توانایی دست پیدا کنیم، آنجا تحریم از بین میرود؛ راست هم میگویند. تحریم مال آنجایی است که دست شما بسته است. در هر بخشی که شما بتوانید از خودتان تحرک و پیشرفت نشان بدهید، طرف احساس میکند تحریم یک کار لغوی است، کار بیهوده‌ای است، کار ابلهانه‌ای است؛ مثال واضح آن همین مواد اورانیوم غنی شده‌ی بیست درصد است که ما برای این نیروگاه تحقیقاتی تهران نیاز مبرمی داشتیم. ذخیره‌ی کشور داشت تمام میشد، این نیروگاه میخواستید، رادیوداروها که مورد نیاز بود و در اینجا تولید میشد، از دسترس مردم دور میشد؛ مسئولین در تلاش افتادند که بیست درصد را تهیه کنند. ماجرای بازی در آوردن قدرتمندان دنیا - در رأس همه‌شان آمریکا و بعضی قدرتهای دیگر - سر قضیه‌ی بیست درصد، یک ماجرای شیرین طولانی شنیدنی است که چه کردند اینها! ما حاضر بودیم این را بخریم، آنها به انواع و اقسام حیل متشبث (۶) میشدند که اشکال‌تراشی کنند، تا اینکه بالاخره جمهوری اسلامی به این نتیجه رسید که بیست درصد را باید خودش تولید کند، [اما] آنها باور نمیکردند که این کار تحقق پیدا کند و باور نمیکردند بعد از آنکه بیست درصد تولید شد، امکان تولید سوخت از آن به وجود بیاید؛ یعنی بتوانند میله‌ی سوخت و صفحه‌ی سوخت به وجود بیاورند؛ این کار را هم جوانهای جمهوری اسلامی - مثل شماها - دانشمندان جوان، با هوششان، با ابتکارشان، با مدیریتهای خوب توانستند انجام بدهند. حالا که همه‌ی دنیا فهمیدند و دانستند که جمهوری اسلامی به این فتاوری دست پیدا کرده و محصول را تولید کرده و میتواند از این محصول استفاده کند، راه افتاده‌اند، این میگوید از ما بخرید، آن میگوید از ما بخرید؛ میگویند حاضریم به شما بفروشیم؛ اما تولید نکنید؛ دنیا این جوری است. فشار دنیا، بدادایی‌های قدرتهای گوناگون بزرگ و کوچک دنیا در مقابل نظام جمهوری اسلامی و هر نظام مستقلى، تابع ضعف و قوت این نظام است؛ هر جا شما ضعیف باشید، بدادایی آنها بیشتر میشود؛ هر جا شما قوی بودید، توانا بودید، روی پای خودتان توانستید بایستید، آنها مجبور میشوند مؤدبانه‌تر با شما رفتار بکنند، منطقی‌تر با شما رفتار بکنند؛ این کلید حل همه‌ی مشکلات کشور است. باید کشور از درون بجوشد. تولیدتان را، اقتصادتان را، آینده‌تان را، بایستی خودتان از درون تأمین کنید؛ و ملت ایران، ملت بااستعدادی است؛ میتواند؛ [هم] ذخایر انسانی ما بی‌نهایت است، هم ذخایر طبیعی ما خوشبختانه خیلی



فراوان است. امیدواریم خداوند متعال همه‌ی شماها را توفیق بدهد، و به ما و مسئولین و آحاد مردم هم ان شاءالله توفیق بدهد، بتوانیم به وظایفمان عمل کنیم.
والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(۱) مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران

(۲) سوره‌ی نجم، آیه‌ی ۳۹

(۳) سوره‌ی طلاق، بخشی از آیات ۲ و ۳

(۴) مشتاق

(۵) آقای علی ربیعی (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) و آقای عباس علی‌آبادی (رئیس هیئت مدیره‌ی گروه مپنا)

(۶) متوسل